

تصفیه در ارتش

همزمان با اعدام های مکرر در پادگان های ارتش، مخصوصا واحدهای مربوط به گنبد و صفاتی برای تصفیه ارتش از آزادبخواهان به موجب یک بخشنامه فوق العاده ۲۷ امیر ارتش پی ای گودهای فزونی ۱۷ شهروید شاه طلیح مردم در طول مدتی که حکومت نظامی برقرار است بساز نشسته شده اند.

گزارش میدهند که جیبی از آنها هرگز با باز نشستی جنگجوی و برای نگاهداری دادگاه های سرتیپ تصفیه شده اند. از آنچه پشت درهای بسته این دادگاه های فاشیستی می گذرد هنوز اطلاعی نداریم.

همچنین خبرهای رسیده از تبریز حاکی است که اخیرا همه ای از فرمان و سرپازان را در پادگان این شهر تیرباران کرده اند و خانواده های آنان اطلاع داده اند که گویا آنها در تبریز با «فرابکاران کشته شده اند».

شاه از شنیدن اینها با گناهی که هنوز برایش باقی مانده و قدرتش بدان منتهی است میترسد. اما آیا این تیربارانی فزونی می تواند از پیوستن نزدیک ارتشیان میهن پرست و آزادبخواه به صفوف جنبش انقلابی مردم جلوگیری کند؟

کشتار جدید رژیم در خرم آباد

محداز ظهر پنجشنبه گذشته در جریان یورش وحشیانه گرازیهای مسلح رژیم به نظر فرات، عتراضی مردم پشنگ و آزادبخواه مردم آزادبسیان، حمزه یادی گفته و مجروح شدند. این یورش خونین به دنبال تظاهراتی به وقوع پیوست که مردم صاب از این شهر در اعتراض به حملات پیاپی نیروهای مسلح رژیم به دانش آموزان، مسلمانان و فرهنگیان این شهر که به شهادت عده ای از دانش آموزان ضمنی پرست انجامید، صویا کرده بودند. تعدادی از دانش آموزان دبیرستان پهلوی غم آلوده و بیگانه گشته شدگان هستند. این کشتاری رصانه چه عده به دنبال قتل عام دهها مبارز آزادبخواه در کرمانشاه به وقوع پیوست. عتراضی از کرمان سبز خراسان می رود که تظاهرات آزادبخواه که مردم این شهر نیز در روز پنجشنبه گذشته مورد تهاجم مسلحانه اعمال رژیم قرار گرفته است. آزادبخواهها مسلحانه هنوز اطلاعی نرسیده است.

به دنبال تیرباران خوسین به مردم کرمانشاه و غرم آباد، مردم این دوشهر به عنوان اعتراض به این کشتار جدید رژیم به یک اعتصاب همگانی دست زده اند و این دوشهر گامی به حال تعطیل درآمده است.

انقلاب و اسامی عملیاتی ملی و دموکراتیک سرتیپ از پیش میباید شود. شاید با درک همین واقعیت است که رژیم پشنگانه برآستاد و ج جدیدی از جریان های فکری، اندولوزیک و سیاسی متضاد و ششاد ارتش را به متاع نیروی تارک نفس، از خارج وارد جنت عمومی مردم ایران و سایر جنبش دانشجویی ما کند، موی که نه از تضادها و مسائل واقعات و ضرورت های جامعه ما، بلکه از یک بااراضه و شلوغ سیاسی - اندولوزیک متاثر است و سالیات که از آنها مات اندولوزیک ها و ابادی پشت پرده فاسد و سر امیرالسی و تحریکات و برافشانی های عوامل ساواک می بهره نموده است و به خاطر بیگناهی و فضا طیفاتی غده بورژوازی اکثریت افسان و عناصر آن اغلب نقاب انقلابگری شماگین و افراطی برچیده دارد.

دعوت اس گروه ها و هرگز و سازمان دیگر خارج نه تنها مورد اسامی است، نه تنها باشد گام کامل ما به متاع برآوردن جری از حقوق باسعال شده مردم دربی دارد. از یک نقطه نظر خاص در خرم آباد است.

در مونیسی که حتی صیبات ها و دوستداران حزب توده ایران در داخل کشور زحمت شده و نیزین و بر رصانه ترین بهنگرد و مجازات هستند. در مونیسی که اعضای مؤثر حزب ما حتی در خارج از کشور تا کور به زندگی معنی سیاسی و فعالیت سازمانی زیرزمینی با رعایت تمامی اصول پنجاهگاری اندو ساده ترین عضو حزب ما حقوق برده شدن به مرزهای کشور را ندارد. این چراغ حق و کارت دعوت برای معنی ما را با و گروهها و متاثر که اغلب خود را «جیب» می نامند می دانند. حتی نام ها و شایسته نظیر «کمونیست» و «مارکسیست-لنینیست» و «سوسیالیست» و غیره را از طرف خود به خویشانشان داده اند، چه معنی می دهد؟ آیا رژیم فعلی در کار آن نیست در هر که اس با رنگینان راه اعمال و جاسوسان نقاسدار خود را به مثابه انقلابسوسن شیمی به نیاز جنبش میارکند؟

وظایف جنبش دانشجویی ...

مزارع اعتصاب کنند و غله ناشی از ۱۲ میلیارد دلار کسری بودجه را در اختیار دولت بگذارد که ای که مردمی توانان است می لوزاید، تعطیل دانشگاهها و سایر مراکز کاترانی باشد. این سخن به معنی آن نیست که در برابر خواست و تهاجم رژیم پشنگان معاصر محافظ گرایانیم که شور انقلابی و خود پیوی و غرض دانشگاهها را به بند کشیم و با آنها کم، نه ترسکی، ما براسم که فقط با ساخت و پرداخت و طاعت و وظایف جنبش صنفی - سیاسی دانشوی در رابطه با اوضاع و احوال خاص کشور، می توانیم این شور انقلابی و خروش و عزم مبارزه جویانه را در هر آنگاه نه ترس عمیق تر و گسترده تر سازیم. خودداری از پیوستن به جنبش اعتصابی که سراسر کشور را فراگرفته و به صورت شت گره گریه و زمی مردم براسفوان های دیگتاتوری و حکومت نظامی فرود می آید، منابرامل پیوستن به جنبش دانشوی با جنبش عمومی طبق و نیز توجه به وجه سیاسی جنبش دانشوی است. نه این ترتیب، می توان با تانک ها و حساب شده و استعجاب پذیر هم و موی جنبش صنفی - سیاسی دانشوی را از فعالیت کرد و هم با جنبش عمومی مردم همراه شد و ایداعات کرد.

این کلاس ها و دانشگاه ها به اعتصاب می پیوندند کلاسی ها و دانشگاه های جدیدی جای آنها را میگیرند با تصدیقات و سیاست های متاثر دگرگونی آنها در که در این پیوستن منظور و مقصود، کمترین دستاویز را برای تهاجم و با تعطیل دانشگاهها به دست می دهد. ... در همه ای شوک ها و اعتراضات شان با استادن و جلب همکاری و رعایت آنها، حاصل خسر و بهره دمی مبارزه راسترو و شش پیروزی آن را عوی فرمی کند.

در حالی که با روی آوردن توده های میلیونی به عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی، هر سیاسی مملکت شتاید و فعال شده، جنبه سیاسی جنبش دانشوی بی امثال طوطی فرستاری گسب گسره است. ما سوچه می ای که هنوز شرایط اجتماعی و سیاست پدیس و جاسوسی ما را که بر مبنی ما حاکم است، به پیوستن از سیاست در برهه حساسی اجتناب می و صنفی نبودن از آمیختن کار معضی، اگر ما سخن نباشد، بسیار دشوار و محاطره آید. بدون سازمان معنی در شرایط نرو و سیاسی هیچ مبارزه جدی و بی گمرازه از پیش نمی رود در همین حال استفاده از امکانات فاسوسی و علمی برای پیشبرد مبارزه، برای گسترش امکان شناسی با نوده ها، امکان تهیه و شکل و به مبارزه کشیدن آنها، به حداقل کاهش نیازها و اسامی گسترده می و توسعه مبارزه می شود. از این گذشته سازمان های معضی در حال وهی نظریه منبر ما اصولا سازمان های سیاسی هستند، از سرتیپ فاکل گران به بافت و سی وقت حکومت و اعمال آن می تواند طو تاریک سازمان ما همه سیاسی را در هم بپوشد. تاریخ معاصر مبنی ما با جنبش است گرا مفر انقلابی، مؤید است که تنها سازمان ها و مشکلات سیاسی توانسته اند در فرار خود حوادث و تحولات و مزاج اجتماعی از ما بود و طوطی معنی سجات با سدی با این مایه را به حداقل عسکی برساند، که در کارش انقلابی و فاسوسی از انکال معنی و غیر فاسوسی مبارزه استفاده کرده اند. جنبش دانشوی ایران در لحظاتی اوج گیری میرسد و دیگتاتوری و ضد امپریالیستی می توانستند به این مبارزات انقلابی و علمی، بی اعتنا مانند.

سازماندهی و تعیین ناگشک ها و شمارهای مناسب جنبش دانشوی در روبرویی با فوا و افع و در رابطه با جنبش عمومی مردم به عهده این هستند و مشکلات معنی سیاسی گرا می گردید. همیسن سازمان ها و همه ها هستند که برای تصمیم گیری و پیروزی جنبش دانشوی می و استوار تر گردی رفته ها و سوخته های آن با جنبش گسترده ملی دیوگرایک مردم باید بیشتر شن صا همت و انکال عمل را به طرح دشمنی در سطح دانشگاهی آن ضرورت بسیار جدا داشته را که به اتحاد صنفی همه نیروهای فدا امپریالیستی و دموکراتیک حکم می دهد، تقوی بخشد، جستار دانشوی مدتهاست که از شش فکری و تفرقه با ما می بین گروهها و عناصر راسته به جریان های عقیدتی و مسلکی متفاوت رنج می برد. این شش و پروگندگی که در عرصه اجتماعی قابل رویت است، خود را نه صرف عمومی جنبش ملی با لیا می دهد و دیگتاتوری افسار گسیخته، جنبش صنفی حزب طبقه کارگر، شش عومی سازمان های سیاسی دیو پروگندگی مخالف رژیم، فقدان آزادی های دیو پروگندگی فعالیت های شاق افغانه به ارتجاع فلسفی، امپریالیستی گونیم و دروازی آنها ابادی امپریالیسم بوده است. اما باید در مرحله خیر و کوفلای سیاسی سرع جنبش انقلابی، شش شدن با یک پیوستن دانشی با از سدها و مواضع دیگتاتوری و گسترش فعالیت کارگران و حزب سیاسی و طبقاتی آنها در عرصه های معنی و سیاسی و رات و شن صری گروهها و سازمان ها و جریان های مختلف به سوی بر دگرایی به هر چه رفتار رژیم چون زده شاه - ساواک، شرایط عسی و دهسی

بما در این عرصه ها و شرایط خاص ما مبارزه بر خاست. نکته ای که نتوان در این مبارزه صوری است این است که همان طور که در گذشته گشته است و به منظور ما با خود رسال گذشته عملا تجربه کرده اند معنویان ما مبارزات سیاسی دانشوی در محدوده و چار دیواری دانشگاهها فرس پذیر می و از اسناد غوا ده کرد. جنبش تظاهراتی دانشویان تنها در پیوند با تظاهرات صنفی با می مردم و در میان مردم می تواند مؤثر و ترمیم بخش باشد. در حال حاضر در شرایط معنی و نظریه های خوب سازمانها یافته و گوتام و صفت و در صورت امکان به طسور همزمان در چندین نقطه شهر می توانیم بر اثر ترس و هم کم خطر تر باشد (در اسامی و دانشوی مبارز می توانستند به از جمع صفت صیبات سال گذشته خود در این زمینه به وسعت بهره گیرند).

در ضمن لازم است تذکراتی در اولاد دانشگاهها و به ننگه های و گروه های مختلف دانشوی بسیار گرا می های فکری و سیاسی مختلف بر سرور شروع اعتصاب و با تظاهرات (آگر بر سر تظاهرات و پیوستن با شد) و صفت آن توافق گشته. تا سالی بسیار از اعتصابی با تظاهرات سازمان ما می شود. احیاء و ترمیم سازمان ما با معنی دانشوی که برانشتر تعطیل طولانی بسیاری از دانشگاهها و تعطیل سازمانها و با جنبش دانشوی در اکثر دانشگاهها هم آید به عهده است. برای پیشبرد منظور خود دیگر اهداف و وظایف جنبش دانشوی ضروری است. به با وی این سازمان ها و سازمان سیاسی دانشوی می توان برنا به این تنظیم کرد که فی المثل معنی که جنبش اعتصابی و دانشگاه را فراگرفته معنی از کلاس ها و دانشگاهها بر باشد و مونی که

برای سرنوشتی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!